

کاشت حلزون برای کودکان ناشنوا

این عمل ۲۰۰میلیونی برای کودکان رایگان شد



محمدرضا فیضی
«دعا کن بچه‌ت سالم به دنیا بیاد؛

دختر یا پسرش مهم نیست.» این جمله بارها از زبان اطرافیان به گوشمان خورده‌است. وقتی به عمق ماجرا فکر می‌کنیم یاد رکوجه و خیابان کودکی راهی بینیم که معلولیت دارد، به این می‌رسیم که حرفشان بی‌راه هم نیست و باید پس از تولد فرزندنمان سجده شکر به جایآوریم. به‌عرض مبارکتان برسانم که چشم‌روشنی امروزمان به‌شپیدن مربوط است. حالا که حرف از شنیدن شد، بگذارید این‌را بگویم که در این دنیا بعضی‌ها شنوایی‌شان سالم است، اما گوش‌شنا ندارند. در مقابل، بچه‌هایی به دنیا می‌آیند که از همان بدو تولد ناشنوا یا کم‌شنوای عمیق‌اند. این ناهنجاری در آینده‌مراحل‌رشد آن‌ها در جامعه‌راتحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این‌ماجرابه‌خودی‌خود غم‌انگیز است؛ به‌ویژه برای پدر و مادر. متخصصان برای حل این‌مشکل از بدو تولد تا چهار سالگی کاشت حلزون گوش را برای بچه‌ها انجام و نعمت‌شنیدن را به‌آن‌ها هدیه می‌دهند. تا همین‌چندی پیش کاشت حلزون برای هر کودک



● هوا در شهر نیست

عباس ایزدیان ساکن محله عبادی است؛ محله‌ای قدیمی که به‌گفته‌این‌شهروند مشهدی یکی از ریشه‌های شهر مشهد است. این ساکن محله بازنشسته یکی از شرکت‌های تولید چینی است. کار و شغل او به‌ریه‌هایش آسیب‌زده‌است. اکنون نیز آلودگی هوا در کنار آسیب شغلی، نفس‌کشیدن را برای او سخت کرده‌است؛ آن‌قدر که ترجیح می‌دهد کمتر بیرون‌برود. می‌گوید پزشکان توصیه به‌جابه‌جایی کرده‌اند، «دکتر به من گفت که باید محل زندگی‌ام را جابه‌جا کنم، اما باین سن و این اوضاع‌چطور می‌شود جابه‌جا شد؟ باین همه‌دود و آلودگی نمی‌توانم پنجره‌ها را یک‌ساعت بازکنم تا دس‌ت کم هوای تازه وارد خانه شود.»

فاطمه یکی دیگر از شهروندان گلابه‌مند از آلودگی هواست. او منشأ بیماری و سرفه بچه‌هایش را همین آلودگی می‌داند و می‌گوید: «آن‌قدر هوا کثیف و آلوده‌است که بچه‌ها تا مدرسه می‌روند ویرمی‌گردند، مرضی می‌شوند.»

این شهروند مشهدی یک پیشنهاد دارد: «به‌نظر من باید پلیس و شهرداری برنامه‌ای مشترک بگذارند تا دس‌ت کم باخودروهای آلوده‌کننده‌برخورد‌شود. این‌را که وضعیت هوای مشهد در ۱۰ماه گذشته چقدر نفس‌گیر بوده

هوای مشهد از ۳۰۷ روز گذشته فقط ۳۴ روز پاک داشته‌است

هوای مشهد از ابتدای زمستان و در رقابتی نفس‌گیر، سرخط خبرها را به خود اختصاص داد؛ از سردی استخوان‌سوز تا ثبت رکورد آلوده‌ترین شهر کشور.

بیست و ششم دی بود که هوای مشهد گوی سبقت را در میان کلان‌شهرها بود در جایگاه نخست آلوده‌ترین شهرهای کشور قرار گرفت. علاوه بر آن، روزهای پایانی دی‌ماه نیز هوا، هوای مشهدی‌ها را نداشت و در چند روز پی‌درپی در وضعیت هشدار و ناسالم قرار گرفت. مشهد در حوزه گردوغبار نیز اس‌سال رکورد زد و در این ارتباط و در پی گذشت ۱۰ماه، ۸۷روز غبار آلود داشتیم. این درحالی‌است که در مدت مشابه پارسال، مشهد فقط دوازده روز غبار آلود داشت.



است، از رضا اسماعیلی، مسئول مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری مشهد، جویا می‌شویم. او مدرس دانشگاه و دارای مدرک دکترای تخصصی آب و هواشناسی (اقلیم‌شناسی) است.

مسئول مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری مشهد اوضاع آلودگی هوا در مشهد را با آماری از وضعیت جهانی آلودگی هوا توضیح می‌دهد: «براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، آلودگی هوا هر دقیقه جان سیزده نفر را روی کره‌زمین می‌گیرد. همچنین و بر اساس آمار این نهاد، از هر ۱۰ نفر در دنیا ۹ نفر هوای آلوده تنفس می‌کنند. در این میان مشهد نیز به‌عنوان دومین کلان‌شهر کشور از این قاعده مستثنا نیست. آمار او از ده‌ماهه مشهد و روزهای آلوده‌ای که پشت سر گذاشتیم، از این قرار است: «براساس آمار مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی مشهد، در ۳۰۷روز سپری‌شده از سال فقط ۳۴روز هوا در این کلان‌شهر خوب یا پاک بود. این رقم معادل ۱۱درصد روزهای سپری‌شده‌است.»

به‌گفته اسماعیلی در این ۱۰ماه هوا در ۱۹۸روز وضعیت قابل‌قبول داشته‌است. همچنین در این مدت ۶۹روز ناسالم برای گروه‌های حساس و ۱۶روز ناسالم برای همه افراد در مشهد ثبت شد.

هوای آلوده، مسئولان آسوده



● وقتی غبار از غرب به مشهد رسید

اسما عیسی تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی‌های متوالی را از جمله علت‌های گسترش بیابان‌زایی می‌داند و می‌گوید: «بیابان‌زایی در افزایش قانون‌های گردوغبار استان نیز مؤثر است. سی‌کانون بحرانی فرسایش بادی فعال برای خیزش گردوغبار در خراسان رضوی داریم. علاوه بر آن، در سال‌های گذشته بارها شاهد هجوم گردوغبار از کشور ترکمنستان بوده‌ایم.»

مسئول مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری مشهد در ادامه مصداقی از حضور غبار از غرب دارد. اومی‌گوید: «امسال و در نمونه‌ای نادر شاهد هجوم گردوغبار از غرب کشور به مشهد بودیم. به‌نظر می‌رسد با افزایش تغییرات اقلیمی بر فراوانی آن‌ها افزوده‌شود.»

او به‌آماری از حضور گردوغبار در مشهد اشاره می‌کند و می‌گوید: «در بررسی‌های همین ۳۰۷روز از اس‌سال ۸۷مورد چالش گردوغبار در ایستگاه هواشناسی مشهد گزارش شد. این درحالی‌است که در مدت مشابه پارسال فقط دوازده مورد چالش گردوغبار در مشهد ثبت

شده بود. این نشانه افزایش چشمگیر ذرات معلق و روزهای دارای گردوغبار در مشهد است.»

● خرداد، ماه‌خاکی

مسئول مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری مشهد وضعیت گردوغبار امسال را با نگاهی به‌ماه‌های سپری‌شده چنین می‌داند: «در مقایسه‌ماه‌های سال باید بگوییم که خرداد با ۲۳درصد (از مجموع ۱۰۰درصد)، غبار آلوده‌ترین ماه سال مشهد بود. پس از آن مهر با ۱۸درصد و اردیبهشت با ۱۷درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارد. کمترین گزارش‌های این پدیده نیز مربوط به‌ماه‌های فصل زمستان و به‌ویژه دی و بهمن است که به‌دلیل بارندگی و رطوبت، وضعیت خاک مناسب است.»

او در ادامه بیان می‌کند: «برپایه پژوهشی درباره داده‌های گردوغبار بیست سال گذشته مشهد، ۴۴درصد از پدیده‌های گردوغبار مشهد در فصل بهار، ۲۸درصد در فصل تابستان و ۲۰درصد در فصل پاییز ثبت شده ضمن اینکه ۸درصد باقی‌مانده مربوط به فصل زمستان است.»

به‌گفته او ۶۶درصد روزهای گردوغباری در نیمه نخست سال و ۳۴درصد باقی‌مانده در نیمه دوم سال است.

● جزئیات آلاینده‌های طرح‌سیاه

مسئول مرکز پایش آلاینده‌های زیست محیطی شهرداری مشهد به جزئیات طرحی برای آلاینده‌های هوای مشهد اشاره می‌کند: «بر اساس مطالعات طرح سیاه انتشار آلاینده‌های هوای مشهد که بر مبنای آمار سال ۱۳۹۶ تهیه شد، ۶۴درصد از آلاینده‌های هوا از منابع متحرک (وسایل حمل‌ونقل موتوری) است. ۳۶درصد باقی‌مانده نیز از منابع ثابت منتشر می‌شود.»

حجم آلاینده‌های منتشرشده در هوای مشهد یکی دیگر از آماری‌است که او به آن اشاره می‌کند: «بر اساس این طرح سالانه بیش از ۲۴۵هزار تن انواع آلاینده در هوای شهر مشهد منتشر می‌شود. در این میان نقش خودروهای شخصی و کامیون‌ها در بخش منابع متحرک، و نیروگاه‌ها و صنعت در بخش منابع ثابت چشمگیر است.»



مردم مشهد کشاورز و دامدار بودند و این قشر به‌تفریح نیاز نداشتند. همین الان اگر به یک روستا برویم، می‌بینیم که روستاییان اصلاً به سینما احتیاج ندارند و کلیت زندگی آنان تفنن است. امروزه ما خیابان ارگ را به‌عنوان لایه میانی مشهد قدیم و امروز دارای ارزش هویتی و تاریخی می‌دانیم، اما واقعیت آن است که این خیابان و خیابان لاله‌زار در تهران خیابان‌های ضدتولید هستند. باین خیابان‌ها مفهوم زن در ایران تغییر کرد. این خیابان‌ها زن را از چرخه‌تولید روستایی خارج کرد و این بدان مناسبت که اساس خانواده از حالت معیشتی خارج شد و در نهایت اتفاقی بنیادین در مفهوم خانواده در ایران رخ داد. خیابان ارگ اولین تلاش در مشهد برای داشتن شهری غیربازرانی است. تا آن روز شهرنشین در مشهد به‌خدمت به‌زائر شناخته‌شده‌است و شهرنشینان مشهد افرادی هستند که آمدند تا به‌زائر خدمت کنند و زندگی‌شان خارج از این حوزه نیست. مشهد در این نقطه یک گام عقب‌نشست و به‌جایی دورتر که با فضای زیارتی تراحمی نداشته باشد، رفت و شهری برای خود ساخت که اساسش هیچ‌نسبتی باز یارت نداشت. این مدل توسعه شهر مشهد است. به‌گمان بنده همان مسیری که در دوره رضاخان طی‌شده، در همه حوزه‌های توسعه غلط‌درمان جمهوری اسلامی به‌شکل خیلی جدی‌تر طی‌شده‌است. وقتی روایت از مکانی منقطع‌شود، چه با فراموشی باشد و چه با تغییر نام، در نهایت آنجا به‌مکانی تبدیل می‌شود که با فرهنگ، جغرافیا، حکمت و ایران هیچ ارتباطی ندارد. این بلایی‌است که در اثر تغییر نام‌های خیابان‌ها و محلاتی که هویت تاریخی دارند، اتفاق می‌افتد. محلات منطقه قلعه‌خیابان که نام آن هویتی تاریخی و برجسته‌دارد و حال به‌نام شهرک شهید باهنر نام‌گذاری‌شده‌است که هیچ‌نسبتی با آن ندارد.

رقم بخورد. یکی از علت‌های این موضوع این است که نهادهای مذهبی ما طرحی برای بهره‌وری، رونق، پیشرفت و استفاده از ظرفیت‌ها و استعدادهای آدم‌های مقید به فکر دینی ندارند. در منطقه قلعه‌خیابان حتما جوانان زیادی وجود دارند که برای کار به‌داخل‌شهر می‌روند. این منطقه می‌توانست به‌محدوده‌ای پررونق تبدیل شود که در آن فعالیت شغلی شکل بگیرد و کار فرهنگی انجام شود.»

● مشهد در طول اتفاقی تاریخی

مسعود نبی‌دوست، پژوهشگر تاریخ شفاهی مشهد، در بخش دیگری از این نشست گفت: «تا موضوعی در امتداد تاریخ، فرهنگ و هویت آن دیده نشود، برنامه‌ریزی برای آن به جریان کوچکی تقلیل پیدا خواهد کرد. جریان مذهبی ما هویت را به‌طور ماهوی درک نمی‌کنند، مگر اینکه پسوند دینی داشته باشد. این یکی از مشکلات این شهر است. آن روزی که اسم قلعه‌خیابان را گذاشتند محله شهید باهنر، چند مسجد وجود نداشت که نامه بنویسند و اعتراض کنند. زمانی که این را گسترش می‌دهیم، به این می‌رسیم که ۳۶۰هکتار بافت پیرامون حرم که مهم‌ترین بافت جهان تشیع است، با خاک یکسان می‌شود. آن وقت یک حوزه علمیه نیست که نامه بنویسد و اعتراض کند! داستان این حوزه و اتصال آن به جریان تاریخ و فرهنگ گذشته خیلی مهم است. ما در مسجدی یک اتفاق تاریخی هستیم. ما در مسجدی نیستیم که به‌هیچ‌کجای جهان مرتبط‌نیابیم. اولین مواجهه غیرارگانیک با شهر مشهد، یعنی مواجهه‌ای که حاکمیت آمده و در شهر ورود کرده، در دوره رضاخان است که توسعه شهر مشهد موضوعیت یافت. خیابان ارگ زاینده مشهد کارگری و کارمندی‌است، به‌دلیل اینکه تاپیش از شکل‌گیری آن در دوره رضاخانی،

در نشست دوم «جهان‌شهر» بررسی شد

قلعه‌خیابان و تحولات دویست‌ساله‌اش

عناصر فرهنگی که ما آن راسنت می‌نامیم، زبان و ادبیات فارسی، قرآن و مکان‌های مقدس مواردی بود که بایست از زندگی مردم جدا می‌شد، به‌نحوی که پرداختن به این امور مذهبی قسمتی از زندگی روزمره‌شان نباشد، بلکه با فاصله رخ دهد. به‌تعبیری دیگر مساجد محل کار فرهنگی و علمی نباشند، بلکه فقط به‌آداب عبادتی محدود شوند و بین زندگی شهر و امور مذهبی یا فرهنگی فاصله‌ای ایجاد‌شود. اتفاقی کلان‌تر که پیش از این موضوع شروع شد، این بود که قلمروهای جغرافیایی جهان اسلام را به‌دولت‌ملت‌های خردتری تبدیل کند تا امکان کنترل و اداره آن‌ها آسان‌تر شود. به همین دلیل در چند قرن اخیر می‌بینیم که شهرهای کوچکی در منطقه غرب آسیا به‌وجود آمد و پیوسته میان این کشورهای تازه‌تأسیس منازعات فرهنگی شکل می‌گیرد. این جریان‌های مختلف زمانی که کنار هم قرار می‌گیرند، اتفاقی برای شهر مشهد می‌افتد. آن اتفاق این است که طرح توسعه مشهد در دوره پهلوی به‌گسترش شهر به سمت غرب معطوف شد. همه نهادهای جدیدی که ساخته شدند، از جمله شهرداری، بوستان ملت، دانشگاه فردوسی و نهادهای دولتی، فرهنگی و اقتصادی دیگر در غرب شهر مشهد هستند.»

● شهری نو در غرب مشهد

دکتر محمدرضا قائمی‌نیک در ادامه این نشست اضافه کرد: «در پی این طرح، منطقه شرق مشهد در حاشیه قرار گرفت و در کنار آن سعی می‌شد محیط حرم به‌عنوان کانون مرکزی شهر مشهد از جبهه زندگی شهری جدا شود. نتیجه این سیاست‌ها چنین شد که گویی قرار است شهری در غرب شهر مشهد گسترش یابد که محیط فرهنگی حرم مطهر با شهر چیزی شبیه نسبت تهران با حرم شاه عبدالعظیم شود. این اتفاق از لحاظ فرهنگی تبعات زیادی برای ما دارد؛ از جمله اینکه ارتباط ما با کشورهای شرقی در حاشیه قرار می‌گیرد. اگر سفرهای مشهد به ترکیه و کشورهای غربی را در نظر بگیریم، در نسبت با سفرهایی که به سمت مغرب‌آن انجام می‌شود، مقایسه شدنی نیست. در نتیجه تبادل‌های فرهنگی و علمی که شکل می‌گیرد، متفاوت است. همان‌طور که می‌دانیم، پس از جنگ تحمیلی دوباره همین سیاست‌ها

نوید سرداد



مشهد شهری با هویتی دینی است و هویتش چیزی است که ارتباط با گذشته و مهم‌تر از آن افق‌های رشد را برآی شهر رقم می‌زند. بی‌توجهی به این عنصر ممکن است تغییرات بنیادی در زیست‌شهروندان ایجاد کند. اتفاقی که در دهه‌های گذشته به‌تدریج برای مشهد اتفاق افتاده‌است؛ چه در زمان و ایلانی که به‌عمد کمر به بی‌ریشه‌کردن این نگین هویت‌بخش خراسان و ایران بسته‌بودند و چه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی که به‌علت نبود نگاه کلان در حوزه توسعه شهری، همان مدل‌های غربی پیش از انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد. این روند شهر را از کانون هویت‌بخش خود یعنی بارگاه حضرت رضا^(ع) به‌مرور جدا کرده و به سمت غرب توسعه داده‌است و در این معادله شرق شهر و ظرفیت‌های آن به حاشیه رفته‌اند. قلعه‌خیابان با همان شهرک شهید باهنر یکی از این ظرفیت‌هاست، محلی که به‌عنوان منطقه عبور حضرت رضا^(ع) در بازگشت از مرو شناخته می‌شود. رویداد جهان‌شهر که در پی هویت‌بخشی یا به‌تعبیری زنده‌کردن هویت محلات حاشیه‌مشهد است، در نشست دوم خود با عنوان «گسترش مشهد به سمت شرق با محوریت گردشگری هویت‌مبنا» به‌سراغ واکاوی این موضوع رفته‌است. در این نشست محمدرضا قائمی‌نیک، پژوهشگر و عضو هیئت علمی دانشگاه رضوی، و مسعود نبی‌دوست، پژوهشگر تاریخ شفاهی مشهد، حضور داشتند.

● مدل توسعه مشهد به عنوان شهری مذهبی

دکتر محمدرضا قائمی‌نیک در ابتدای این نشست به تحولات دویست سال گذشته پرداخت و گفت: «در گسترش جهان اسلام و ایران در دویست سال گذشته تحولاتی رخ داده که زندگی خیلی از ما را تحت‌تأثیر قرار داده‌است. اگر نقشه شهر مشهد در دویست سال گذشته با نقشه امروز آن مقایسه شود، می‌بینیم که حجم تغییرات در دوره جدید با تغییرات قرن‌های پیش مقایسه‌شدنی نیست. نقطه‌عطف این دوره اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ است که با مخالفت حضرت امام^(ع) همراه بود.»

او در ادامه بیان کرد: «دوره دویست‌ساله اخیر چند نظریه در حوزه علوم اجتماعی دارد. پس از آمدن رضاخان و اتفاقاتی که در آن برهه افتاد، قرار شد که طرح کلانی در ایران به نام طرح‌های توسعه اجرا شود. اقتضات اجتماعی این طرح ماجرای کشف حجاب و یکدست کردن لباس‌ها بود. محمدرضا پهلوی پس از رضاخان این طرح را ادامه داد. در سال ۱۳۴۰ این طرح در قالب برنامه‌هایی عملیاتی پیگیری شد و محمدرضا پهلوی اسم آن را «ایران نو» گذاشت. این برنامه‌ها بیشتر